اولین خبرنگار زن در تاریخ ایران

خرداد 4, 1393

برخی محققان مطبوعاتی معتقدند که عزت ملکخانم یا همان اشرف‌السلطنه نخستین زن مطبوعاتی تاریخ ایران است.

سید فرید قاسمی، پژوهشگر تاریخ مطبوعات ایران در کتاب مطبوعات ایرانی خود درباره این زن سخن می‌گوید و او را اولین روزنامه‌نگار زن ایران می‌نامد: «اولین زن مطبوعات ایران عزت ملکخانم دختر امامقلی میرزای عماد الدوله دولتشاهی است که در سال ۱۲۸۸ه.ق به عقد محمد حسن خان صنیع الدوله (اعتماد السلطنه) درآمد و از سال۱۳۰۶ ملقب به اشرف السلطنه شد.

همسر اشرف السلطنه در دوران ۲۵ سال زندگی مشترک با او عهده دار امور مطبوعاتی بود و ۹ نشریه انتشارداد و نامش به عنوان نخستین وزیر انطباعات در تاریخ به ثبت رسید، در این مدت اشرف السلطنه صمیمانه با او همکاری کرد و حتی بیشتر آنچه که به عنوان روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه بر جای مانده است ،تقریر اعتماد السلطنه و تحریر اشرف السلطنه است و دور نیست که آثار دیگری نیز تحریر او باشد.»

نقش این زن همچنین در تاریخ عکاسی ایران انکارناپذیر است و او را به عنوان اولین عکاس زن ایران هم می‌شناسند. اعتمادالسلطنه همسر او در کتاب خود، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه که شامل وقایع چهل سال زندگی پر ماجرای وی در دربار ناصرالدین شاه است، بارها به عکاسی وی اشاره کرده است. شرح روشنگری را نیز یکی از بستگان اشرف السلطنه در مقدمه چاپ‌های بعدی این کتاب در معرفی اشرف السلطنه و فعالیت‌های او از جمله عکاسی نوشته است.

دیگر محققان ایرانی معمولا از بی بی خانم استرآبادی به عنوان یکی از نخستین زنان روزنامه نگار ایرانی یاد می‌کنند اما معمولا به اشرف السلطنه اشاره‌ای نمی‌کنند. بی بی خانم در زمان مشروطه در روزنامه‌های حبل‌المتین، تمدن و نشریه مجلس مقاله می‌نوشت. اگر روزنامه‌های مشروطه را بررسی کنیم با نام «بی بی» زیر مقاله ها

روبه‌رو می‌شویم که همان «بی‌بی خانم استرآبادی» است. از بی بی خانم استر آبادی مطالب زیادی در دست نیست و چند مطلب به جامانده از او بیشتر بر آموزش دختران تمرکز دارد.

درباره زندگی شخصی اشرف السلطنه که برخی محققان او را نخستین روزنامه نگار زن ایران می‌دانند اینگونه می‌نویسند: «وی در زمان حکمرانی پدرش در کرمانشاهان متولد شد و در جوانی به اعتمادالسلطنه که در آن هنگام میرزاحسن خان پیشخدمت شاه بود شوهر کرده و به تهران آمد. چون اولاد نداشت عمر خود را بیشتر به مطالعه کتب می‌گذرانید. به تاریخ و طب خیلی مایل بود. به علت زندگی با اعتمادالسلطنه از سیاست دربار ایران و اتفاقات مملکت و روابط با خارجه خوب مطلع بود.

در هنرهای زنانه و کارهای خانه از طباخی و خیاطی و غیره استاد و صاحب سلیقه بود. در حرمخانه ناصرالدین شاه و در خدمت شاه رفتاری تا حدی گستاخانه داشت. زبان فرانسه را قدری نزد شوهرش آموخته بود به سفر میل نداشت. به ساز و آواز مطلقاً مایل نبود ولی شطرنج و نرد را خوب بازی می‌کرد. عکس‌های قشنگ برمی‌داشت. عکاسی را نزد مرحوم شاهزاده سلطان محمد میرزا والد کمترین [یُمن‌الدوله] آموخته بود. دو مرتبه به عتبات عالیات مشرف گردیده، در اواخر عمر از راه اسلامبول به مکه معظمه مشرف شد و جمعی را همراه برده و قریب دو هزار تومان خرج کرد.»

این زن که پس از ۲۵ سال دوشادوش شوهرش گرداننده مطبوعات عهد ناصری بود در سال ۱۳۱۳ به علت فوت شوهرش از تهران رفت او همه املاک شوهرش به جز کتاب‌های خطی اعتماد السلطنه در تهران را فروخت و راهی مشهد شد. او این کتاب‌ها را به کتابخانه آستان قدس رضوی اهدا کرد و به عقد حاج سید حسین نایب التولیه آستان قدس رضوی درآمد چندی نیز با او زندگی کرد و آن‌گونه که مورخان می‌گویند درسن ۵۳ سالگی ازدنیا رفت